

لَجَّةُ الْأَلَمِ فِي حُجَّةِ الْأُمَمِ

رضاقلی خان شقاقی سراپی
(۱۲۰۷ - ۱۲۸۳ هـ. ق)

آوای درد

قدیمی ترین ترجمه‌ی فارسی به دست آمده از

اللَّهُوْفُ عَلَي قَتْلِي الطُّفُوفِ

مقتل امام حسین علیه السلام به روایت سید بن طاوس

بصحيح، تحقيق و تعاليف
رضا مصطفوی

مسلك اول | ۲۱

در بیان اموری است که پیش از قتال واقع شده است

۲۳ در بیان مولد جناب سید الشهداء علیه السلام

۳۲ [اجبار امام به بیعت یزید]

۳۴ [علم امام بر آینده]

۳۷ [حرکت به سوی مکه]

۳۹ [نامه های کوفی]

۴۲ [حرکت مسلم به سوی کوفه]

۴۳ [دعوت امام از سران]

۴۷ [ورود ابن زیاد به کوفه]

۴۸ [دستگیری هانی بن عروه]

۵۴ [تنهایی و شهادت مسلم]

- ۵۸ [شهادت هانی بن عروه]
- ۶۰ [حرکت امام به سوی کوفه]
- ۷۳ [پیوستن زهیر به امام]
- ۷۴ [خبر شهادت مسلم]
- ۷۷ [ارسال قیس بن مسهر به کوفه]
- ۷۸ [رویارویی با سپاه حر]
- ۸۳ [ورود امام به کربلا]

مسئله دوم | ۹۱

در بیان جنگ و حوادث روز عاشورا

- ۹۳ [اتمام حجت با دشمن]
- ۹۵ [دستور ابن زیاد به آغاز جنگ]
- ۹۶ [امان دادن شمر به عباس بن علی]
- ۹۶ [مهلت خواستن امام]
- ۹۷ [خطبه‌ی امام در شب عاشورا]
- ۱۰۵ [وقایع شب عاشورا]
- ۱۰۶ [صبح عاشورا]
- ۱۱۴ [آغاز جنگ]
- ۱۱۵ [یاری خواهی امام]
- ۱۱۶ [توبه‌ی حن]
- ۱۱۷ [شهادت بریر]
- ۱۱۸ [شهادت وهب]

فهرست ■ ۹

۱۱۹ [شهادت مسلم بن عوسجه]

۱۲۰ [شهادت عمرو بن قرطه]

۱۲۱ [شهادت جون]

۱۲۱ [شهادت عمرو بن خالد صیداوی]

۱۲۳ [نماز ظهر عاشورا]

۱۲۴ [شهادت سوید بن عمرو]

۱۲۵ [ورود علی اکبر به میدان]

۱۲۸ [شهادت قاسم، نوجوان اهل بیت]

۱۲۹ [شهادت علی اصغر]

۱۳۱ [شهادت عباس بن علی]

۱۳۳ [به میدان رفتن امام]

۱۳۶ [شهادت امام حسین علیه السلام]

۱۳۸ [شهادت عبدالله بن حسن]

۱۳۹ [حمله به خيام]

۱۴۰ [جامه‌ی مندرس]

۱۴۷ [غارت خیمه‌ها]

۱۴۹ [نوحه‌ی زینب]

۱۵۰ [اسب تاختن بر شهیدان]

مسلك سوم | ۱۵۷

در بیان حوادث پس از عاشورا و شهادت امام

۱۵۹ [اسارت اهل بیت]

- ۱۶۰ [ورود اسیران به کوفه]
- ۱۶۱ [خطبه‌ی زینب کبری]
- ۱۶۹ [خطبه‌ی ام‌کلثوم]
- ۱۷۰ [خطبه‌ی امام زین‌العابدین]
- ۱۸۳ [به سوی شام]
- ۱۸۵ [ورود به شام]
- ۱۸۸ [در حضور یزید]
- ۱۹۱ [خطبه‌ی زینب کبری رضی الله عنها]
- ۱۹۷ [سکونت اهل بیت علیهم السلام در شام]
- ۲۰۲ [بازگشت به مدینه]
- ۲۰۹ [خطبه‌ی امام برای اهالی مدینه]
- ۲۱۳ [روزگار و حال امام سجاد علیه السلام]

پیوست‌ها | ۲۲۳

- ۲۲۷ قبایل کوفه
- ۲۲۸ مسیر قیام امام حسین علیه السلام از مدینه تا کربلا

شد کشته حسین وز گنه پاک شد آدم

در حق پدر این پسر آخر پدری کرد^۱

مقدمه

دست‌یابی به مقتلی جامع و صحیح‌السند و معتبر برای جامعه‌ی شیعه‌ی ایران، دغدغه‌ای به‌جا بوده است و گویا تا پیش از این کتابی که اکنون در دست است، اللهوف سید بن طاوس به‌طور کامل، به فارسی ترجمه نشده بوده است. آن‌چه مسلم است این‌که این کتاب را قدیمی‌ترین و شاید نخستین ترجمه‌ی فارسی از لهُوف دانسته‌اند.

رضاقلی خان شقاقی تبریزی سرابی، شاعر و تاریخ‌نویس دوره‌ی قاجار و از منشیان ناصرالدین شاه است. این کتاب در سال ۱۲۳۹ شمسی، به خط نستعلیق نگاشته شده و سالیان بعد، در سال ۱۲۶۹ شمسی، پسر رضاقلی، مهدی ممتحن‌الدوله برای ادای حقوق و خیرات پدر آن را به صورت سنگی در تبریز منتشر کرده است.

در مقدمه‌ی این کتاب، از فضل و دانش نویسنده، سخن به میان آمده و او را در ریاضی و جبر و هندسه و اخترشناسی سرآمد زمان خویش دانسته است.

۱. به گواهی ناشر نخستین کتاب، نویسنده در ایام حیات، این بیت را بسیار زمزمه می‌کرده است.

تسلط بر زبان فرانسه و انگلیسی از دیگر مفاخر نویسنده ذکر شده است. «بیان شیرین» و «لسان نمکین» از جمله صفت‌هایی است که نخستین ناشر کتاب، به نویسنده نسبت داده است و این کتاب را شاهی گویا بر آن دانسته است. آن‌گونه که در مقدمه آمده، نویسنده در هفتادوشش سالگی، در سحر نوزدهم ماه رمضان ۱۲۸۳ در سجاده‌ی نمازش، در تهران دار فانی را وداع گفته است.

در متن وصیت‌نامه‌ی نویسنده، این شعر، چشم‌نوازی می‌کند:

یا علی یا علی فدای تو من

ای به هر جای خاک پای تو من

به ولای تو است فخر و شرف

ای فدای تو و ولای تو من.

از این کتاب، دو نسخه با شماره قفسه‌ی مختلف در کتابخانه‌ی تاریخ اسلام قم فهرست شده است که تنها همین نسخه‌ی ۱۸۳ صفحه‌ای جیبی را توانستم به دست بیاورم و نسخه‌ی دیگر نیز در کتابخانه نیز یافت نشد. در کتابخانه‌ی مجلس شورای اسلامی نیز، همین نسخه موجود است. در کتابخانه‌ی آستان مقدس حضرت عبدالعظیم، نسخه‌ای با مشخصات متفاوت در ۱۶۸ صفحه موجود است.

از این اثر دو نسخه در دسترس بود که هر دو نسخه، از یک کتابت بود. در نسخه‌ی کتابخانه‌ی عبدالعظیم، که در سال ۱۳۷۰ شمسی، نیز بازنشر شده بود، تصرف مختصری صورت گرفته بود و برخی از ابیات شعری در مذمت و طعن یزید بن معاویه حذف شده بود. من نیز در این نسخه، کل آن شعر را به دلیل اینکه با جنس کتاب هم خوان و هم خون نبود حذف کرده‌ام.

در برخی موارد در نقل قول‌ها، نویسنده یا نسخه‌پرداز دچار اشتباه شده و

تصرفی فاحش در کلمات اشعار داشت که با توجه به منابع موجود، این اشعار اصلاح شده‌اند و در صورت لزوم در پاورقی اشاره رفته‌اند.

نویسنده، متن احادیث و روایات از معصومین را، از جمله خطبه‌ی رسول اکرم، امام حسین و امام و سجاد و حضرت زینب علیها السلام را به نظم ترجمه کرده و در این موارد، به ترجمه‌ی او بسنده کرده‌ام. اما در برخی موارد، به ارائه‌ی متن عربی بسنده کرده‌ام. در این دست عبارات، ترجمه‌ی آن را داخل قلاب به متن نویسنده افزوده‌ام.

در برخی موارد، اشعار یا عبارات‌های عربی، غلط یا جا به جا نوشته شده بود که مطابق دقیق‌ترین منابع موجود اصلاح شده است. کلمات دشوار و یا قدیمی را در پاورقی با استفاده از فرهنگ لغت دهخدا ترجمه کرده‌ام. در نسخه‌ی چاپ سنگی، برای اینکه ترجمه‌های منشور، از متن اصلی کتاب قابل تفکیک باشد، ناشر، عبارت «قال الشارح...» و یا نظایر آن را افزوده بود که در این نسخه نیازی به آن ندیدم.

پرداخت عمیق و ترجمه‌ی دقیق مترجم در این کتاب، در خور تحسین و تمجید است. درست است که برخی عبارات و واژگان این کتاب، ممکن است امروز برای مخاطب عام نامأنوس و ضعیف جلوه کنند، اما خواندن با این نثر، او را با سبک روضه‌خوانی قاجاری آشنا خواهد ساخت.

رضا مصطفوی

پاییز ۱۳۹۵

آمد به مشام جان من بوی حسین
جان زنده کند بوی سرکوی حسین
ماییم و جهان جهان امید اندر حشر
تا خود چه کند قوت بازوی حسین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حمد و سپاس، خداوندی را سزااست که از غایت جود و کرم، گوهر عقل را از کتم عدم به عرصه‌ی عالم درآورد و پیکر بنی نوع بشر را به تشریف آن گوهر شریف بیاراست و هستی و بودش خویش را بر تمام آفرینش، با ادراک آن گوهر پاک، معلوم ساخت. و مراد خود را بر کافه‌ی عباد، به نطق صواب سنت و کتاب، واضح و لایح فرمود. خداوندی که دور کرد اولیای خویش را از دار غرور و برافراخت ایشان را به نزهتگاه قرب و سرور. و این چنین کرم و لطف بر ایشان، از روی ترس و عنف نبود و این فریق را با چنین طریق، ملجأ و مجبور نفرمود؛ بلکه میل و خواهش و اقبال ایشان را نسبت به ستایش حضرت ذی‌الجلال خویش در سرحد کمال یافت و هیچ وقت از اوقات در عبادت ایشان سستی و زوال ندید و ایشان را مستحق مجلس انس و سزاوار تقرب بارگاه قدس شناخت؛ لهذا توفیق تخلق به اخلاق رب حقیق و تعلیم عبادت پروردگار علیم را بر آن فریق رستگار ارزانی فرمود و بدین واسطه نفوس نفیس ایشان را از سایر بندگان امتیاز داد و روح

پرفتوح ایشان را به شرف تسلیم و رضای خویش بپسندید.

پس این نخبه‌ی موجود و خلاصه‌ی آفرینش حضرت معبود، ذمه‌ی قبول و زمام عقول خویش را به ظلّ پرچم عبودیت منعطف و به حوزه‌ی ستایش و دایره‌ی پرستش منصرف ساخته، آمال خویش را در اکرام و افضال وی بچستند. پس خشنودی و اذعان ایشان را به خانه‌ی جاویدان مشاهده فرمود و به امعان نظر به ایشان نگریست و ایشان را از مخاطرات لقای خود بازداشت و به شفقت و عطوفت به ایشان تجلّی فرمود و پیوسته شوق ایشان به کمال قرب خداوند رحمن در تزیید بود. وجد و سرورشان از اعطار و اصدار حق تعالی حاصل و عاید و شنوایی ایشان از استماع اسرار وی مترنّم و فوآدشان در حلاوت تذکار او شاد و خرم بود.

پس تغیر و انکسار ایشان از علوّ جبروت و عظمت پروردگار به قدر این اذکار آمد و تقرّب ایشان در نزد وی چون تقرّب دوست مهربان گردید. پس چه قدر کوچک شد در نزد ایشان هر چیزی که روگردان گشت از جلال او، و چه قدر متروک و مبتذل گردید برایشان هر آنچه باعث دوری از وصال او آمد؛ به حدّی که ایشان متلذّذ بودند از مؤانست آن چنان کمال، و متلبّس بودند پیوسته به لباس‌های مهابت و جلال. و چون دانستند که حیات و زندگی ایشان مانع از کمال بندگی و متابعت حکم حضرت خداوندی است و پابندگی ایشان حاجب از ادراک افضال اوست، ناچار از بقای خود گذشته به لقای حضرت واجب‌الوجود پیوستند و در طلب این رستگاری جان و تن خویش را ایثار و عرضه‌ی نیزه و شمشیر جان اوبار نمودند. به سبب همین است که نفوس شهدا به تقرّب حضرت باری تعالی مأنوس گردید؛ به طوری که در سبقت و مبادرت به جانب مرگ لذّت و استراحت

داشتند و از نهب^۱ اموال و اسیر عیال و اطفال هیچ‌گونه کدورت و ملال بردل‌های خویش راه نمی‌دادند. چنان‌چه سید مرتضی (علیه‌الرحمه) گوید:

لَهُمْ جُسُومٌ عَلَى الزُّمَّاءِ مُهَمَّةٌ
وَ أَنْفُسٌ فِي جِوَارِ اللَّهِ يَقْرِيهَا
كَأَنَّ قَاصِدَهَا بِالضَّرِّ نَافِعُهَا
وَ إِنْ قَاتَلَهَا بِالسَّيْفِ مُخَيَّبُهَا^۲



روحشان از قرب حق چیند ثمر
جسمشان در تابش خورشید بر
هر که بر اضرار ایشان ناصراست
سود ایشان را بود، او خاسراست
ور کسی بر قتل ایشان رو نهد
باک نبود عمر جاویدان دهد



از حضرت امام محمد باقر علیه‌السلام مروی است که امام زین‌العابدین علیه‌السلام فرمود:
هر مؤمنی که چشم‌های او در مصیبت جناب امام حسین علیه‌السلام اشک بریزد،
به طوری که به رخسار او جاری شود، بنا می‌کند خداوند عالم از برای آن چند
غرفه در بهشت که همیشه در آن غرفه‌ها ساکن می‌شود. و هر مؤمنی که چشم
خویش را به گریه آورد، چنان‌چه اشک به رخسار او جاری شود، در مصیبت

۱. غنیمت، غارت.

۲. بیکرهایشان بر ریگزار گرم افشاده و جان‌هاشان در جوار حق آرمیده. گویا آسیب‌رسانندگان اینان. سوددهندگانشان اند؛ و

قاتلانشان زنده‌کنندگان آنان اند!

ما، خداوند عالم او را در منزل صدق جامی دهد. و هر مؤمنی که او را مصیبت رسد در عزای ما، خداوند عالم از او دور می‌گرداند اذیت و زحمت را و اطمینان می‌دهد او را در روز قیامت از عذاب آتش.

و از حضرت صادق علیه السلام مروی است که فرمود: هر کس را هنگام ذکر مصیبت ما اشک به قدر پرمگس از چشم بیاید، آمرزیده می‌شود گناهان او، اگرچه به قدر کف دریاها بوده باشد.

و ایضاً از ائمه‌ی طاهرین (صلوات الله علیهم) مروی است که هر کس در مصیبت ما گریه کند یا به گریه درآورد صد نفر را، ضامن می‌شویم از برای او بر خدا که داخل جنتش فرماید. و هر کسی که بگرید یا بگریاند سی نفر را، مرا و راست بهشت. و هر کس گریه کند یا بگریاند ده نفر را، براوست بهشت، و هر کس خود را به گریه‌کنان شبیه نماید، برای اوست بهشت.



شرح کتاب «ملهوف» المسمی بـ «لجة الالم فی حجة الالم». وضع کردم آن را بر سه «مسلک».